



## آراء وحدت رویه

### اختلاف در صلاحیت برای رسیدگی به درخواست تغییر سن<sup>(۱)</sup>

#### ریاست محترم هیئت عمومی دیوانعالی کشور

احتراماً به استحضار می‌رساند: شعب ششم و بیست و چهارم دیوانعالی کشور در استنباط از ماده واحده قانون حفظ اعتبار اسناد سجلی و جلوگیری از تزلزل آنها مصوب دوم بهمن ماه ۱۳۶۷ آراء مختلف صادر کرده و رویه‌های متفاوتی اتخاذ نموده‌اند، لذا طرح موضوع در هیئت عمومی برای ایجاد وحدت رویه ضروری به نظر می‌رسد.

خلاصه پرونده‌های مزبور و آراء مربوطه به این شرح می‌باشد:

۱- آقای ... در تاریخ ۷۲/۹/۱۳ دعوایی به طرفیت اداره ثبت احوال شهر جغتای (یکی از بخشهای سبزوار) در دادگاه حقوقی ۲ مستقل جغتای برای اثبات عدم تعلق شناسنامه شماره ۳۹۱ به خود مطرح نموده و نوشته است: «هنگام صدور این شناسنامه پدر او در محل نبوده و مادر وی که برای اخذ شناسنامه به اداره ثبت احوال مراجعه کرده تاریخ تولد خواهان را ۱۳۵۲/۷/۱ ذکر نموده و شناسنامه شماره ۳۹۱ به نام خواهان باتاریخ تولد ۵۲/۷/۱ صادر شده است در صورتی که سن او سه سال کمتر و متولد ۱۳۵۶/۷/۱ می‌باشد و شناسنامه مزبور مانع تحصیل او شده است. لذا تقاضا دارد که حکم بر عدم تعلق این شناسنامه به خواهان صادر گردد تا شناسنامه دیگری باتاریخ تولد ۱۳۵۶/۷/۱ اخذ نماید. نماینده اداره ثبت احوال نوشته است: «اسناد سجلی از اسناد رسمی

محسوب می‌شود و دعوی خواهان به تعبیری تغییر تاریخ تولد می‌باشد که طبق ماده واحده قانون حفظ اعتبار اسناد سجلی تغییر آن ممنوع است به علاوه خواهان از این شناسنامه استفاده کرده و مدرک تحصیلی اخذ نموده است و لهذا رد دعوی تقاضا می‌شود. - دادرس دادگاه حقوقی ۲ مستقل جغتای تغییر تاریخ تولد را از مصادیق ماده واحده قانون حفظ اعتبار اسناد سجلی تشخیص داده و قرار عدم صلاحیت شماره ۳۵-۶۸۵ مورخ ۷۲/۱۱/۲۸ را به اعتبار صلاحیت کمیسیون مذکور در تبصره ماده واحده مرقوم صادر کرده و پرونده را بر طبق ماده ۱۶ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ به دیوانعالی کشور فرستاده است. رسیدگی پرونده مزبور به شعبه ششم دیوانعالی کشور ارجاع شده و رأی شعبه مزبور به شماره ۶۱۰۹۹ مورخ ۷۲/۱۲/۲۵ به این شرح صادر شده است:

با توجه به شرح دعوی و مورد خواسته که عبارت است از تغییر سن خواهان از سن ۱۳۵۳ به سال ۱۳۵۶ و اختلاف سن ادعائی با سن مندرج در شناسنامه کمتر از پنج سال است مستنداً به ماده واحده قانون حفظ اعتبار اسناد سجلی مصوب ۱۳۶۷ و تبصره ذیل آن و صرف نظر از قابلیت یا عدم قابلیت پذیرش دعوی، رسیدگی به موضوع در صلاحیت دادگاه است علیهذا ضمن نقض قرار صادره، صلاحیت دادگاه حقوقی ۲ جغتای را در

رسیدگی به موضوع مطروحه اعلام و پرونده جهت رسیدگی به دادگاه صالحه ارسال می‌گردد.

۲- به حکایت پرونده ۲۴/۷۸۱۰/۲۴ شعبه بیست و چهارم دیوانعالی کشور آقای ... در تاریخ ۱۳۷۲/۹/۱۳ دعوایی به خواسته اثبات عدم تعلق شناسنامه شماره ۳۹۲ به خود در دادگاه حقوقی ۲ مستقل جغتای به طرفیت اداره ثبت احوال جغتای از توابع سبزوار اقامه نموده و نوشته است: پدر او در مسافرت بوده و مادر خواهان که برای اخذ شناسنامه برای خواهان به اداره ثبت احوال مراجعه کرده تاریخ تولد خواهان را ۱۳۵۶/۶/۱۷ گفته که در شناسنامه شماره ۳۹۲ نوشته شده است در صورتی که سن او سه سال کمتر و متولد ۱۳۵۹/۶/۱۷ می‌باشد. لذا تقاضای رسیدگی و صدور حکم می‌نماید تا عدم تعلق شناسنامه شماره ۳۹۲ به خواهان ثابت شود و بتواند شناسنامه دیگری باتاریخ تولد ۱۳۵۹/۶/۱۷ برای خود اخذ نماید. نماینده اداره ثبت احوال این ادعا را تکذیب کرده و نوشته است: تغییر تاریخ تولد طبق ماده واحده قانون حفظ اعتبار اسناد سجلی ممنوع است و خواهان از این شناسنامه استفاده کرده و تحصیل نموده و مدرک تحصیلی گرفته و سند سجلی از اسناد رسمی است که با شهادت اعتبار خود را از دست نمی‌دهد. دادرس دادگاه حقوقی ۲ جغتای رسیدگی به دعوی را در صلاحیت کمیسیون مقرر در تبصره ماده واحده قانون حفظ اعتبار اسناد سجلی دانسته و قرار عدم صلاحیت شماره ۱۵-۶۶۵ مورخ ۷۲/۱/۱۸ را به اعتبار صلاحیت کمیسیون مزبور صادر کرده و پرونده را بر طبق ماده ۱۶ قانون ۱۳۵۶ به



### دادرسی معاویه

می‌گویند مردی از اهل کوفه به شتر خود سوار بود، یکی از اهالی دمشق دامن او را گرفته ادعا کرد: «این شتر ماده از من است و تو از من ربودی.» این دو را در حال نزاع نزد معاویه که در مسجد بود بردند، مرد دمشقی برای اثبات ادعای خود ۵۰ نفر از اهالی دمشق را به عنوان شاهد به حضور معاویه آورد و همه آنها شهادت دادند که این شتر ماده از مرد دمشقی است. معاویه چون شهادت جمع را شنید به نفع مرد دمشقی رأی داد. مرد کوفی با تعجب و خنده گفت: «ای امیر، خدا تو را اصلاح کند. این شتر نربود و این مرد ادعا داشت که من شتر ماده او را بردهام. این جمع شهادت دروغ داده‌اند، توهم حق مرا تضییع کرده‌ای.» معاویه گفت: «حکم صادر شد و قطعی است.» در خلوت به او دو برابر بنای شتر را داد و مهربانیهای دیگر هم کرد و گفت: «برو به رفیقت (یعنی حضرت علی ع) بگو من تا صد هزار نفر از این مردم احمق با تو روبرو می‌شوم که بین شتر تو و ماده فرقی نمی‌گذارند و بدون تمیز به هرچه بخواهم شهادت می‌دهند.»

**رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور (شماره: ۵۹۹-۱۳/۴/۱۳۷۴)**  
«بر اساس ماده واحده قانون حفظ اعتبار اسناد سجلی و جلوگیری از تزلزل آنها مصوب بهمن ماه هزار و سیصد و شصت و هفت، تغییر تاریخ تولد اشخاص به کمتر از پنج سال ممنوع می‌باشد و رسیدگی به درخواست تغییر سن بیش از پنج سال نیز به تجویز تبصره همین قانون منحصر آیه عهده کمیسیون مقرر در آن محول شده است.»

«بنابه مراتب به نظر اکثریت اعضای هیئت عمومی دیوانعالی کشور رأی شعبه ششم که مرجع رسیدگی و اظهار نظر نسبت به درخواست تغییر تاریخ تولد کمتر از پنج سال را دادگاههای دادگستری اعلام نموده است منطبق با قانون و صحیح تشخیص می‌شود. این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.»

## اعتراض به رأی قاضی موضوع ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی، تجدید نظر خواهی محسوب نمی‌شود.<sup>(۳)</sup>

ریاست محترم هیئت عمومی دیوان عالی کشور  
احتراماً به استحضار می‌رساند: طبق ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع مصوب ۱۳۲۶/۱۲/۲۲ زارعین صاحب اراضی نسق و مالکین و صاحبان باغات و تأسیسات در خارج از محدوده قانونی شهرها و حریم روستاها، سازمانها و مؤسسات دولتی که به اجرای ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع کشور مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن اعتراض داشته باشند می‌توانند به هیئت مرکب از:  
۱- مسئول اداره کشاورزی ۲- مسئول اداره جنگلداری ۳- عضو جهاد سازندگی ۴- عضو هیئت واگذاری زمین ۵- یک نفر قاضی دادگستری ۶- برحسب مورد دو نفر از اعضای شورای اسلامی روستا یا عشایر محل مربوطه مراجعه نمایند. این هیئت در هر شهرستان زیر نظر وزارت کشاورزی و

دیوانعالی کشور فرستاده و رسیدگی به شعبه ۲۴ دیوانعالی کشور ارجاع شده است. رأی شماره ۲۴-۹۵۰ مورخ ۷۲/۱۲/۱۴ شعبه مزبور به این شرح است: «قرار عدم صلاحیت دادگاه حقوقی ۲ جفتای در این پرونده بلاشکال تشخیص و ضمن تأیید آن مقرر می‌دارد پرونده اعاده شده همانگونه که ملاحظه می‌فرمائید شعب محترم ششم و بیست و چهارم دیوانعالی کشور در استنباط از ماده واحده قانون حفظ اعتبار اسناد سجلی مصوب دوم بهمن ماه ۱۳۴۷ رویه‌های مختلفی اتخاذ نموده اند لهذا به استناد ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ استدعا دارد به منظور اتخاذ وحدت رویه قضایی موضوع در هیئت عمومی طرح گردد.»

### معاون اول قضائی دیوانعالی کشور

به تاریخ روز سه شنبه ۱۳۷۴/۴/۱۲ جلسه وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور به ریاست حضرت آیتا... محمد محمدی گیلانی رئیس دیوانعالی کشور و با حضور جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور و جنابان آقایان رؤسا و مستشاران شعب کیفری و حقوقی دیوانعالی کشور تشکیل گردید. پس از طرح موضوع و قرائت گزارش و بررسی اوراق پرونده و استماع عقیده جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور مبنی بر اینکه: «با توجه به ادعای خواهانها مبنی بر اینکه شناسنامه آنها حسب اظهار مادرشان با تاریخهای مندرج در شناسنامه از اداره ثبت احوال صادر شده بنابراین تعلق شناسنامهها به خواهانها محرز است و در نتیجه عنوان دعوی تغییر تاریخ تولد تلقی می‌شود و چون در هر دو پرونده متقاضیان مدعی هستند سن واقعی آنها سه سال کمتر از سنی است که در شناسنامه آنها قید گردیده و با توجه به ماده واحده قانون حفظ اعتبارات اسناد سجلی و جلوگیری از تزلزل آنها تغییر تاریخ تولد اشخاص کمتر از پنج سال ممنوع اعلام گردیده بنابراین دعوی خواهانها قابلیت طرح در مراجع قضایی و کمیسیون مذکور در قانون فوق را نداشته و در خور رد بوده و آراء شعب دیوانعالی کشور مورد تأیید نمی‌باشد.»<sup>(۲)</sup> مشاوره نموده و اکثریت قریب باتفاق بدین شرح رأی داده‌اند:

با حضور حداقل پنج نفر رسمیت یافته و پس از اعلام نظر کارشناس هیئت رأی قاضی لازم‌الاجرا خواهد بود مگر در موارد سه گانه شرعی مذکور در مواد ۲۸۴ و ۲۸۴ مکرر قانون آئین دادرسی کیفری که عبارتند از:

۱- جایی که قاضی صادر کننده رأی متوجه اشتباه رأی خود شود.

۲- جایی که قاضی دیگری پی به اشتباه رأی صادره ببرد به نحوی که اگر به قاضی صادر کننده رأی تذکر دهد متنبه گردد.

۳- جایی که ثابت شود قاضی صادرکننده رأی صلاحیت رسیدگی و انشاء رأی را نداشته باشد، که عیناً در ماده ۸ قانون تجدیدنظر آراء دادگاهها مصوب ۱۳۷۲/۵/۱۷ و ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۵ نیز تکرار شده است.

از آنجا که آراء صادره توسط قاضی هیئت تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع مصوب ۱۳۷۶ در موارد فوق الاشعار قابل اعتراض می‌باشد لذا به اعتراضات معموله در دادگاههای حقوقی یک سابق رسیدگی به عمل می‌آمد در تعدادی از پرونده‌ها از تصمیمات دادگاههای حقوقی یک که در مقام تجدید نظر نسبت به آراء صادره از سوی قاضی هیئت حل اختلاف صادر گردیده است مجدداً تجدیدنظرخواهی شده که پرونده‌های مربوطه به دبیرخانه دیوانعالی کشور ارسال و به شعبات مختلف ارجاع شده و شعبه دوازدهم دیوانعالی کشور به موجب دادنامه شماره ۴۱۰-۷۲/۱۱/۶ با لحاظ اینکه دادنامه تجدیدنظر خواسته به عنوان تجدیدنظر از رأی کمیسیون صادر گردیده موضوع را غیرقابل طرح، تشخیص و پرونده را به مرجع مربوطه اعاده نموده. ولی شعبه ۲۴ علیرغم صدور حکم تجدیدنظر خواسته از مرجع تجدیدنظر به موضوع رسیدگی نموده و به موجب دادنامه شماره ۹۳۸ مورخ ۷۳/۱۲/۹ اعتراضات تجدیدنظرخواه را رد و رأی صادره را ابرام نموده است که چون از شعب مذکور نیست به موارد مشابه یعنی قابلیت طرح رأی قاضی هیئت تعیین تکلیف اراضی اختلافی برای تجدیدنظر مجدد، رویه مختلف اتخاذ شده است لذا طرح قضیه برای صدور رأی وحدت رویه قضائی طبق قانون مربوط به وحدت رویه قضائی مصوب هفتم تیرماه سال ۱۳۲۸ مورد

تقاضا بوده و گزارش پرونده‌های مربوطه نیز به شرح زیر تقدیم می‌شود:

الف - در پرونده کلاسه ۸۰۶۵/۱ شعبه دوازدهم دیوانعالی کشور آقای... به رأی شماره ۱۱۰۳ - ۷۲/۹/۲۳ صادره از هیئت تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها مبنی بر خلع ید از ۱۸۸۸ متر مربع زمین مزروعی واقع در قسمت جنوبی روستای بیت چال اعتراض و از دادگاه حقوقی یک نوشهر نسبت به رأی مذکور تجدید نظرخواهی نموده و توضیح داده که دارای یک هکتار زمین مزروعی است و این ملک به دلالت مدارک موجود از قدیم الایام در تصرف وی و پدرش بوده و اخیراً مأمورین منابع طبیعی اشتباهاً ۱۸۸۸ متر مربع آنرا جزء منابع ملی محسوب و حکم خلع ید نسبت به این مقدار از زمین یک هکتاری صادر شده در حالی که دوازده اصله درخت کاج نیز در آنجا کاشته شده است. نتیجتاً نقض رأی صادره از هیئت تعیین تکلیف اراضی اختلافی را درخواست نموده است. دادگاه حقوقی یک نوشهر پس از تشکیل جلسات متعدد و استماع اظهارات تجدیدنظرخواه و ملاحظه پاسخ اداره تجدیدنظر خواننده در تاریخ ۷۲/۳/۱۲ در وقت فوق‌العاده چنین رأی داده است: ... اعتراض آقای... نسبت به رأی شماره ۱۱۰۳ مورخ ۷۲/۹/۲۳ صادره از کمیسیون ماده واحده تعیین تکلیف اراضی اختلافی به طرفیت اداره کل منابع طبیعی نوشهر با امان نظر در محتویات پرونده وارد و مدلل نمی‌باشد، چه رأی معترض عنه صحیحاً و خالی از ایراد و اشکال قانونی صادر گردیده و معترض دلائل مؤثر و موجهی که باعث نقض آن گردد ارائه ننموده و اصولاً اعتراض مشارالیه انطباقی با هیچیک از شقوق ماده ۱۰ قانون تجدیدنظر آراء دادگاهها ندارد. فلذا ضمن رد اعتراض نامبرده رأی معترض عنه را تأیید می‌نماید. رأی صادره وفق مقررات پس از بیست روز قابل فرجامخواهی در دیوانعالی کشور است. رأی دادگاه در تاریخ ۷۲/۴/۸ به خواهان ابلاغ و در تاریخ ۷۲/۴/۱۵ نسبت به آن تجدیدنظرخواهی نموده که بعد از تبادل لوابیح و انجام تشریفات قانونی به دیوانعالی کشور ارسال و به شعبه دوازده ارجاع شده است.

رأی شعبه به شرح زیر است:

با توجه به اینکه دادگاه حقوقی یک نوشهر در

مقام تجدیدنظرخواهی نسبت به رأی شماره ۱۱۰۳ - ۷۲/۹/۲۳ صادره از کمیسیون ماده واحده تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون حفاظت از جنگلها و مراتع کشور رسیدگی نموده است مورد از موارد تجدیدنظرخواهی نبوده غیرقابل طرح در دیوانعالی کشور تشخیص، مقرر می‌دارد پرونده به مرجع مربوطه اعاده شود.

ب - پرونده کلاسه ۷۴۴۱/۱۲ شعبه ۲۴ دیوانعالی کشور: در این پرونده اداره منابع طبیعی دماوند از رأی هیئت تعیین تکلیف اراضی اختلافی مبنی بر غیر ملی بودن ۴۵۰۰۰ متر مربع از اراضی پلاک ۱۸۸ اصلی شهرستان مذکور که به نفع آقایان ... و ... صادر شده است تجدیدنظرخواهی نموده و توضیح داده است: آقای قاضی هیئت تعیین تکلیف اراضی اختلافی چهل و پنج هزار متر مربع زمین فوق را که ملی اعلام شده است جزء مستثنیات مالک تعلق و اعتراض آقایان فرهبگلو را به تشخیص کارشناسان منابع طبیعی دایر بر ملی بودن اراضی مورد بحث وارد تشخیص داده در صورتی که همین افراد قبلاً در پرونده دیگری که در دادگاه کیفری ۲ تحت کلاسه ۴۲۷/۶۹ ثبت شده به خاطر تجاوز به همین قسمت از اراضی ملی شده محکومیت پیدا کرده و به خلع ید از آن محکوم شده و بعد از محکومیت مزبور به هیئت تعیین تکلیف اراضی اختلافی مراجعه کرده و از تشخیص کارشناسان جنگلبانی شکایت کرده و با این ترتیب رأی قاضی هیئت با رأی دادگاه کیفری ۲ که قبلاً صادر شده است تعارض دارد و نتیجتاً نقض رأی قاضی هیئت را تقاضا نموده است. پرونده به شعبه اول دادگاه حقوقی یک دماوند ارجاع و پس از تعیین وقت رسیدگی و استماع اظهارات طرفین به صدور رأی زیر منتهی شده است: نظر به اینکه تجدیدنظرخواه، محکوم علیه رأی تجدیدنظرخواسته نمی‌باشد و در رأی، تصمیمی علیه اداره مذکور اتخاذ نگردیده و مالک رسمی شناختن شخص در رأی قاضی هیئت مذکور، مثبت ملی تشخیص شدن یا نشدن متعاقب ملک نیست و با عنایت به اینکه برای غیر مقامات قضائی و محکوم علیه در قوانین حق تجدیدنظرخواهی پیش‌بینی نشده لذا قرار رد دعوی خواهان صادر می‌گردد. قرار به اداره منابع طبیعی دماوند ابلاغ شده که براساس تجدیدنظرخواهی اداره مذکور پرونده به دیوانعالی کشور ارجاع و به کلاسه مزبور

نت و به شعبه ۲۴ ارجاع شده است. رأی شعبه به شرح زیر است:

«اعتراض تجدیدنظرخواه نسبت به رأی تجدیدنظرخواسته به نحوی نیست که نقض رأی مذکور را ایجاب نماید از لحاظ اصول و قواعد دادرسی نیز اشکالی در رسیدگی دادگاه مشهود نیست لذا رأی مورد بحث نتیجتاً ابرام می‌گردد.»

ضمناً به اطلاع می‌رساند: با تصویب ماده ۲ قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخائر جنگلی کشور در تاریخ ۷/۱۱/۷۵ ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها مصوب ۱۳۴۶ به صورت زیر تغییر یافته است که عین ماده و تبصره یک آن ذیلاً منعکس می‌گردد:

ماده ۲ - تشخیص منابع ملی و مستثنیات ماده ۲ قانون می شدن جنگلها و مراتع با رعایت تعاریف مذکور در قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع با وزارت جهاد سازندگی است که شش ماه پس از اخطار کتبی یا آگهی به وسیله روزنامه‌های کثیرالانتشار مرکز و یکی از روزنامه‌های محلی و سایر وسائل معمول و مناسب محلی، ادارات ثبت موظفند پس از انقضای مهلت مقرر در صورت نبودن معترض حسب اعلام وزارت جهاد سازندگی نسبت به صدور سند مالکیت به نام دولت جمهوری اسلامی ایران اقدام نمایند.

تبصره ۱ - معترض می‌تواند پس از اخطار یا آگهی وزارت جهاد سازندگی اعتراضات خود را با ادله مثبت جهت رسیدگی به هیئت مذکور در قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع مصوب ۱۳۶۷/۶/۲۲ مجلس شورای اسلامی تسلیم نمایند. صدور سند مالکیت به نام دولت جمهوری اسلامی ایران مانع مراجعه معترض به هیئت مذکور نخواهد بود.

### با احترام معاون اول قضایی دیوانعالی کشور، نیری

به تاریخ روز سه شنبه ۱۳۷۴/۷/۲۵ جلسه وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور به ریاست حضرت آیه آ. محمد محمدی گیلانی رئیس دیوانعالی کشور و با حضور جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور و جنابان آقایان رؤسا و مستشاران شعب کیفری و حقوقی دیوانعالی کشور تشکیل گردید.

پس از طرح موضوع و قرائت گزارش و بررسی اوراق پرونده و استماع عقیده جناب آقای مهدی

ادیب رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور مبنی بر اینکه: «با توجه به اینکه هیئت مندرج در قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع مصوب سال ۱۳۴۷ تشکیل گردیده و قاضی هیئت رأی صادر نموده و رأی مزبور حسب مقررات قانونی لازم‌الاجرا بوده است و چون این رأی به منزله رأی دادگاه حقوقی ۲ است لذا با توجه به موارد سه گانه مندرج در همین قانون تجدیدنظر از رأی مزبور با دادگاه حقوقی یک خواهد بود و رأی صادره از دادگاه اخیر قطعی و غیر قابل تجدیدنظر می‌باشد، بنابراین رأی شعبه ۲ دیوانعالی کشور که بر این اساس صادر شده موجه بوده و مورد تأیید است» مشاوره نموده و اکثریت بدین شرح رأی داده‌اند.

### رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور (شماره: ۶۰۱-۱۳۷۴/۷/۲۵):

«رأی دادگاه حقوقی یک در مقام رسیدگی به شکایت از رأی قاضی موضوع «ماده واحده» قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع مصوب ۱۳۶۷ اصطلاحاً «رسیدگی به اعتراض می‌باشند» تجدیدنظر و عنوان «تجدیدنظر» در ماده ۹ آئین نامه اصلاحی آئین نامه اجرایی قانون مذکور پس از کلمه «اعتراض» از باب تسامح در تعبیر است. بنابراین با عنایت به مقررات موضوعه وقت (قانون تشکیل دادگاههای حقوقی یک و دو و قانون تجدیدنظر آراء دادگاهها) و اصل قابل تجدیدنظر بودن آراء دادگاههای حقوقی یک در دیوانعالی کشور، تصمیم شعبه بیست و چهارم دیوانعالی کشور که بر این اساس صادر گردیده صحیح و به اکثریت آراء تأیید می‌گردد. این رأی طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی برای شعب دیوانعالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.»

### پی نوشت:

۱- نقل از شماره ۱۴۷۰۱ - ۱۳۷۴/۶/۵ روزنامه رسمی شماره ۱۷۸۴ - ۵ - ۱۳۷۴/۴/۲۶. پرونده وحدت رویه ردیف: ۱۷/۷۳ هیئت عمومی.

۲- متأسفانه نماینده دادستان کل کشور بدون توجه به موضوع مورد بحث (اختلاف در صلاحیت) نظر داده‌اند. بدیهی است که تصمیم‌گیری درباره صلاحیت در هر مرجعی مقدم است بر اینکه درباره رد یا پذیرش دعوی رأی صادر شود. (دادرسی)

۳- نقل از شماره - ۱۳۷۴/۹/۲۷ روزنامه رسمی شماره ۱۸۰۶ - ۱۶ - ۱۳۷۴/۹/۱۶. پرونده وحدت رویه ردیف: ۳۱/۷۴ هیئت عمومی.

### حسن تدابیر الغ بیک

روزی نزد الغ بیک میرزا کس آمده گفت که من از سمرقند به بخارا می‌رفتم و همیان دروی هزار تنکه همراه داشتم، چون دو فرسنگ از شهر برآمدم بر لب آبی در سایه درختی نشسته طعام می‌خوردم، مرا یاری بود از راه رسید. او را طلب نموده با هم طعام تناول کردیم. مصلحت چنان شد که آن همیان همراه به من نباشد. آنرا به مصاحب خود سپرده، گفتم که این را به خانه من سپار، چون از بخارا بازگشتم معلوم شد که آن امانتی را به خانه من تسپرده بود، چون از وی طلب می‌نمایم، می‌گوید که من تو را هرگز ندیده‌ام. پادشاه فرمود که او را حاضر ساختند. از وی پرسید، گفت که من هرگز او را و آن درخت را که می‌گوید، ندیده‌ام و نمی‌دانم که در کجاست. پادشاه مدعی را گفت برو و از آن درخت چند برگی بیا، و آن شخص را که منکر بوده پیش خود نگاه داشت و با وی به حکایت مشغول شد. در اثنای گرمی حکایت پرسید که آیا آن شخص به پیش آن درخت رسیده باشد؟ آن منکر عاقل بود، گفت

ظاهراً هنوز نرسیده باشد. پادشاه به خنده درآمده گفت: تو ن گفته بودی که من آن درخت را ندیده‌ام و نمی‌دانم؟ پس چگونه دانستی که آن شخص نرسیده باشد! برخیز و مهمل مگوی و طریق کذب مپوی، در راه انصاف درآی و امانت را به وی تسلیم نمای.»<sup>(۱)</sup>

### پی نوشت:

۱- بدایع الوقایع، ج ۲، واصلی